

۱۳۴۲۹۳۴

بینش معنوی - ۶۷

مهدی کمپانی زارع

خدا به روایت مولانا

مجله
نشریه معارف

خدا به روایت مولانا

مؤلف

مهدی کمپانی زارع

ناشر: سرگاد حاصر (وابسته به مؤسسه پژوهشی نگاه معاصر) / مدیر هنری: باسم الرسام
حروفچین و صفحه‌آرایی: حروفچینی هُما (امید سیدکاظمی) / لیتوگرافی: نوید
چاپ و حاف: مرنو / چاپ اول: ۱۳۹۵ / شمارگان: ۱۱۰۰ / قیمت: ۱۵۰۰۰ تومان
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۹۹۴۰-۳۸-۰

نشانی: مینی سیتی - شهرک معاصر - فاز ۲ مخابرات - بلوک ۳۸ - واحد ۲ شرقی
تلفن: ۲۲۴۴۸۴۱۹ / پست الکترونیک: negahe.moaser94@gmail.com

سرشناسه	کمپانی زارع، مهدی، ۱۳۵۹ -
عنوان و نام پدیدآور	خدا به روایت مولانا / مهدی کمپانی زارع.
مشخصات نشر	تهران: نگاه معاصر، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	۲۱۷ ص.
فروست	بینش معنوی؛ ۶۷.
شابک	978-964-9940-38-0
وضعیت فهرست‌نویسی: فیا.	
موضوع	مولوی، جلال‌الدین محمد بن محمد، ۶۰۴-۶۷۲ ق. - معلومات - خدا.
موضوع	خدا در ادبیات.
رده‌بندی کنگره	۱۳۹۴ ک ۴ / PIR ۵۳۰۷
رده‌بندی دیویی	۸۱ / ۳۱
شماره کتابشناسی ملی	۴۰۷۳۵۲۶

فهرست مطالب

۷	پیشگفتار
۱۱	فصل اول: شناخت مسخر و سخن گفتن از او
۱۱	مقدمه
۱۹	تذریه و تشبیه
۲۵	سخن پایانی
۲۶	پی‌نوشت‌ها
۲۹	فصل دوم: راه‌های شناخت خداوند
۴۹	پی‌نوشت‌ها
۵۳	فصل سوم: اثبات وجود خدا
۵۳	مقدمه
۵۴	امکان وجود خدا و ردّ امتناع آن
۵۸	جایگاه الهیات عقلی (طبیعی) در بحث از خدا
۶۰	سیری در ادله اثبات وجود خدا
۶۲	الف) استدلال از طریق اصل دلیل کافی
۶۵	ب) برهان حدوث و قدم
۶۶	ج) برهان نظم
۶۷	د) برهان حرکت

۶۸ • پی‌نوشت‌ها

۶۹ فصل چهارم: توحید

۶۹ مقدمه

۷۶ مراتب توحید

۷۹ اقسام توحید

۸۷ وحدت وجود

۹۵ تجلی و ظهور

۱۰۲ • پی‌نوشت

۱۰۷ فصل پنجم: اسماء و صفات خدا

۱۱۲ الف) الله

۱۱۶ ب) رحمان و رحیم (رحمت)

۱۲۴ پ) خن، محیی

۱۳۴ ت) غنی، مُغنی (بی‌نیاز و بی‌نیاز)

۱۴۲ ث) قادر، قَدیر، مقتدر

۱۴۸ ج) عالم، علیم، سمیع، بصیر

۱۵۱ ج) الرزاق، الرزاق

۱۶۴ ح) عادل، عدل

۱۷۱ خ) کریم

۱۷۸ سخن آخر

۱۷۹ • پی‌نوشت‌ها

۱۸۹ فصل ششم: خدا و مسأله شر

۱۸۹ مقدمه

۲۰۴ • پی‌نوشت‌ها

۲۰۷ □ منابع

۲۱۵ □ نمایه اعلام

پیشگفتار

نگارنده این سطر بر مدت هاست که درگیر دو طرح گسترده و درازدامن است و پیرامون آنها نوشتن باید برآورد کرده و انشاء الله ارائه خواهد کرد. طرح نخست وی به مولانا جلال الدین بلخی، عارف شریف و شگفت فرهنگ اسلامی-ایرانی و اندیشه‌ها و آثار وی و آبشخورهای مورد ربوعه مسطر است و طرح دوم به تاریخ و فرهنگ شیعه. درباره طرح نخست تاکنون پنج اثر مستقیم نوشته و عرضه شده که به این قرار است:

۱. **حیات معنوی مولوی:** به بحث تاریخی سراسر معنای مولانا از کودکی تا وفات اختصاص یافته و در آن نکات بدیع و جدید بسیاری ذکر شده و در عین توجه و احترام به نوشته‌های پیشین، انتقادات مستندی به آنها شده است.

۲. **مولانا و مسائل وجودی انسان:** محور اصلی آن بر حرم از مسائل وجودی انسان مانند تنهایی، غم و شادی، ایمان و... است. در این کتاب مسیر تازه‌ای از نی‌نامه مولانا ارائه شده و گفته‌ایم که این نی‌نامه نه خلاصهٔ مثنوی است و نه مشتق از آن، بلکه شرط‌نامه‌ای است برای ورود به مثنوی و آثار مولانا. در این کتاب همچنین از مواجهه مولانا با فلسفه و کلام عقلی و فیلسوفان و متکلمان نیز سخن رفته است.

۳. **مولانا و معنای زندگی:** به بحث از معنای زندگی از منظر مولانا پرداخته است. در این کتاب معنای «معنا» و «زندگی» از منظری بررسی شده و گفته شده که مولانا علاوه بر هدفمندی و ارزشمندی، به معنایی دیگر از معنا نیز توجه دارد که مختص نگاه عارفانه است. البته در این کتاب به این توجه شده که بحث اصلی در مبحث معنای زندگی، زندگی است که در بیشتر مباحث جدید، مغفول واقع می‌شود.

۴. مولانا و مدرسه عشق: کتابی است هفتصد صفحه‌ای که برای نخستین بار به نحو مستقل و جامعی به بیان مختصات عشق از منظر مولانا پرداخته است. در این کتاب علاوه بر معانی عشق نزد مولانا به بحث رابطه عشق و زیبایی و اقسام عشق و شخصیت عاشق و معشوق و تأثیرات عشق بر عاشق و رابطه عقل و عشق پرداخته شده است.

۵. مولانا و اخلاقی زیستن: به بحث از چیستی اخلاق نزد مولانا و عوامل یاری‌رسان به حیات اخلاقی و موانع اخلاقی زیستن و نیز مهمترین فضائل و رذایل نفسی از منظر وی می‌پردازد. در پایان این کتاب فصلی مفصل به بحث از چیستی و گستره ادب نزد مولانا که امری نزدیک به اخلاق، اما متمایز از آن است، اختصاص یافته است.

علاوه بر این پنج سر تألیفی، نگارنده به تصحیح مثنوی معنوی و حرکت‌گذاری و ارائه توضیحاتی محصور برای تمام آن اهتمام نموده است. در سه کتاب تراوی اخذخو، ابلیس، عاشق یا فاسق؟، و از اندیشه مولانا، از گیل گمش تا کامو نیز فصل‌های مستقلی به بیان اندیشه مولانا درباره ابلیس و برگ، اخلاقی اختصاص یافته و حتی می‌توان گفت کسی که نخستین بار صاحب این قلم را به این بحث متوجه و علاقه‌مند کرد، مولانا است و گویی هسته اولیه این کتاب در درس و بحث پیرامون دیدگاه‌های مولانا شکل گرفت و مابقی کتاب به دنبال آن هسته، پرداخته شد. در این باب شناخت اندیشه‌های مولانا نگارنده بر این باور است که پس از کتاب خدا و بیانات پیر (ص) و امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (ع)، هیچ‌کس به اندازه ابو حامد غزالی و شیرازی بروی تأثیر نگذاشته است؛ از این رو حقیر مدتی است که به آثار غزالی و مقالات شیرازی نیز اهتمام خاص دارم. از غزالی دو رساله را ترجمه و شرح کرده‌ام؛ یکی رساله «یار هم المنقذ من الضلال» که به نام حیات فکری غزالی به طبع رسیده و دیگری رساله «تبریزی جواهر القرآن» که آن نیز به ضمیمه دیدگاه مولانا درباره قرآن کریم ارائه شده است. ترجمه و شرح دیگر رساله‌های غزالی نیز در دستور کار است. همچنین مدتی است به اندیشه‌های شمس تبریزی متمرکز شده‌ام و علاوه بر نگارش کتاب مستقلی در این باب به نوشتن شرح و توضیحی مفصل بر مقالات وی می‌اندیشم.

پس از این گزارش باید بگویم از همان ابتدای مطالعه آثار مولانا همواره می‌دیدم و می‌اندیشیدم که کانون همه سخنان این عارف ژرف‌نگر و شیرین‌سخن، خداست. او از

معنا مرادی جز خدا ندارد و اخلاقی زیستن را خدا خواستن می‌داند و از مرگبِ عشق برای رسیدن به خدا استفاده می‌کند و مرگ را راهی برای رسیدن به خدا می‌داند و ... همه چیز در مولانا به خدا ختم می‌شود. سراسر مثنوی را که می‌خوانی یادِ خدا موج می‌زند و ذکر خدا می‌رود. وقتی موضوع بحث خدا نیست، موضع بحثش خدایی است و می‌کوشد به هر شیوه و بهانه‌ای خلق را به حق تعالی متوجه و علاقه‌مند سازد. شیوه‌های وی در بحث از خدا کثرت شگفتی دارد. گاه او در هیأت متکلمان و فیلسوفان به میدان عقل می‌آید. روبروِ وجود خدا و معقولیت هستی آن استدلال می‌کند و با منکران به بازوی استدلال، هر وردی می‌نماید و گاه خائفی خدا ترس می‌شود و خود و خلق را چونان آهویی در مصاف شریر شریزه می‌داند و حزم و ادب را توصیه می‌کند. گاه نیز با وقوف به ضعف‌های بشری، از نشان خدای موسی (ع) به پشتیبانی چوپان ساده‌دل بر می‌آید و همان سخنان شکسته به یادِ آن خالی از ادب است، معذور و حتی مقبول می‌داند. گاه به اسماء الهی ما را متوجه می‌کند و از رحمان و کریم و رازق و ... سخن می‌گوید و معنا و مواجهه مطلوب با آنها را به ما می‌آموزد. گاه نیز عاشق شیدایی می‌شود و خداوند متعال را زیبایی و محبت محض می‌داند و از آن عرق عشق می‌بازد و می‌گوید هر چه جز عشق خداوند است، جان‌گدندی بیش نیست و گاه می‌ایستد در دعا و گاه ... او از همه این شیوه‌ها هیچ مرادی جز صلاهی خدا جوید و دعوت مردم به سوی حق ندارد و کیست که نداند قرن‌هاست مردم به توفیق شیوه‌ها و ارباب برده‌اند و حق را به کلام او شناخته‌اند. خدای مولانا محبوب زنده‌ای است که در گفت و گوئی دائم با بندگان سخن از سبقت رحمت خود بر غضبش می‌گوید و حتی در کورهٔ باطنی که در به دنبال خالص و پاک کردن خلق است. خدای مولانا مونس همه اوقات و احوال از جمله رحمت و تنهایی و مرگ است و با حضورش خانهٔ دل، همواره روشن و گرم است و زیر و بر سرش انعام نیز واقعه‌ای چندان مهم به نظر نمی‌آید. خدای مولانا هر چند غنی است، اما از خلق استغنا نمی‌جوید و دمی نظر رحمت و توجه خود را از ایشان نمی‌ستاند. کتاب پیش رو تصویری است از شیوه‌ها و صیغه‌های خداشناسی مولانا که گاه بوی کلام و فلسفه دارد و گاه بوی قرآن و حدیث و گاه بوی عشق و مستی و ... بر سر سفره خداشناسی مولانا هر کس بهره خود را خواهد برد و او به تعبیر خودش ناطق کاملی است که بر سر خوانش ز هر خوردنی‌ای یافت می‌شود. کسانی که به دنبال عاشقانه‌های مولانا دربارهٔ خداوند و

توصیف جمال و رحمت وی اند، بایستی بیشتر در فصل پنجم بنگرند. صاحب این قلم در این نوشته نیز به دنبال معرفی دیدگاه‌های مولانا است و اگر از جای دیگر سخنی آورده همه در راستای فهم کلام اوست. در این اثر نیز تلاش شده که میان مولانا و مخاطبانش مانع نشویم و با تدوین و تبویب و تحلیل مطالب، باری از دوششان برداریم. در اینجا اصالت اندیشه‌های مولانا در راستای زمینه فکری اش به دقت مد نظر بوده است. امید است که خداوند غنی کریم این اثر را غنا و کرامت بخشد و در دل مخاطبانش نوری از خورشید برآورد. دعای این بنده با خدای خود در پایان نگارش این اثر چنین است:

ای خداوند! این خُجَم و کوزه‌ی مرا در پندیر از فَضْلِ «الله اشتری»
 به زبانی دازد گراز فرخندگی در پندیری تو مرا در بندگی؟

۲۱ شهریور ۱۳۹۴

شیراز

مهدی کمپانی زارع